

Pathology of urban management in the ethnic city (Case study: Nourabad city, Lorestan province)

Mansourian, H^{a,1}, Rajaei, S.A^b, Hatami, A^c, Ashouri, H^d

^a Assistant Professor of Geography & Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

^b Assistant Professor of Geography & Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

^c MSc of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

^d MSc of Geography and Urban Planning, University of Tehran, Tehran, Iran.

ABSTRACT

Objective: Promotion of villages to cities at the center of the settlement of nomads and villagers have shaped a particular type of city in contemporary Iran. These cities have become the destination for nomadic and rural migration from the surrounding areas and with features such as rapid population growth, the weakness of political culture and social-spatial segregation, they have been caught up in a cycle of inefficiencies in urban management. Accordingly, the main purpose of the present paper is the pathology of urban management in the ethnic city.

Methods: Current paper is analytical–descriptive according to nature. Requirement data and information were gathered by documentary and field methods. The population of the study consisted of citizens of Nourabad city and urban planners and specialists including municipality staffs, mayors and counselors of Nourabad municipality. According to Cochran's formula and financial and time constraints of the research, the sample size of the study consisted of 200 citizens and 60 urban management experts in the city of Nourabad.

Results: The results of T-test indicate that, in terms of local residents, two factors of ethnicity and religious affiliation are significantly the most important factors affecting the way citizens choose the council members. In addition, according to respondents, lobbying and ethnicity were the most important measures in selecting the mayors. Citizens' satisfaction with the performance of Islamic councils in Nourabad city was at a low level and more than 68% of respondents expressed their dissatisfaction with the performance of the councils. The analysis of the opinions of mayors, counselors and employees of the municipality indicates that members of the city council interfere in the municipal administration in various ways, such as installing and disposing of personnel, interfering in the choice of the contractor, directing development projects to particular parts of the city.

Conclusion: In a feedback process, the council derived from the socio-spatial structure based on ethnicity has led to the choice of the mayor on the basis of individual and ethnic interests and thereby, through interference with the municipal administration, has provided the ground for the inefficiency of urban management.

Keywords: Ethnic city, Voting Behavior, Urban Management, City Council, Municipality, Nourabad City.

Received: October 25, 2018 **Reviewed:** December 24, 2018 **Accepted:** January 31, 2019 **Published Online:** September 22, 2019

Citation: Mansourian, H., Rajaei, A., Hatami, A., Ashouri, H. (2019). *Pathology of urban management in the ethnic city (Case study: Nourabad city, Lorestan province)*. Journal of Urban Social Geography, 6(1), 193-211. (In Persian)

DOI: [10.22103/JUSG.2019.1986](https://doi.org/10.22103/JUSG.2019.1986)

¹ Corresponding author at: University of Tehran, P.C: 1417853933, Tehran, Iran. E-mail address: H.Mansourian59@ut.ac.ir (Mansourian, H).

آسیب‌شناسی مدیریت شهری در شهر اقوام (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)

حسین منصوریان^a، سیدعباس رجائی^b، احمد حاتمی^c، حسن عاشوری^d

^a استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^b استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^c کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

^d کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

تبیین موضوع: ارتقای روستاها به شهر در کانون‌های استقرار ایلات، عشایر و روستائیان، نوع خاصی از شهرها با عنوان «شهر اقوام» را در ایران معاصر شکل داده است. این شهرها به مرور، تبدیل به مقصد مهاجرتی عشایر و روستائیان مناطق پیرامون شده و با ویژگی‌هایی از قبیل رشد شتابان جمعیت، تسلط فرهنگ قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی و جداگرنی اجتماعی- فضایی، در حلقه‌ای از ناکارآمدی در حوزه مدیریت شهری گرفتار شده‌اند. براین اساس، هدف اصلی مقاله حاضر، آسیب‌شناسی مدیریت شهری در شهر اقوام است.

روش: پژوهش حاضر از لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی- تحلیلی محسوب می‌شود. به منظور دستیابی به اهداف تحقیق، داده‌های موردنیاز با استفاده از پرسش‌نامه و به شیوه خوشه‌ای و تصادفی ساده از نمونه‌ای با حجم ۲۶۰ نفر شامل شهروندان، پرسنل شهرداری، شهرداران و مشاوران شهرداری نورآباد گردآوری شده است. برای تحلیل داده‌ها، از آزمون آماری T تک‌نمونه‌ای استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج بدست آمده از آزمون T تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد که از نظر ساکنان محلی دو عامل قوم‌گرایی و تعلقات مذهبی، به طور معناداری مهم‌ترین عوامل موثر بر شیوه انتخاب اعضای شورای شهر توسط شهروندان می‌باشند. علاوه براین، از نظر پاسخگویان، لابی‌گری با ارزش T برابر ۱۶/۳ و قوم‌گرایی با ارزش T برابر ۷/۹، مهم‌ترین معیارهای اثرگذار در انتخاب شهرداران بوده‌اند. میزان رضایت شهروندان از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد در سطح پایینی قرار داشته و بیش از ۶۸ درصد پاسخگویان، نارضایتی خود را از عملکرد شوراها ابراز داشته‌اند. تحلیل نظرات شهرداران، مشاوران و کارکنان شهرداری نشان می‌دهد که اعضای شورای شهر به شیوه‌های مختلفی از قبیل نصب و عزل پرسنل، دخل و تصرف در انتخاب پیمانکار، هدایت پروژه‌های عمرانی به سمت بخش‌های خاصی از شهر، در امور اجرایی شهرداری دخالت می‌کنند.

نتایج: در فرایندی بازخوردی، شورای برآمده از ساختار اجتماعی- فضایی مبتنی بر قوم‌گرایی منجر به انتخاب شهردار براساس منافع فردی و قومی شده و از این طریق با دخالت در امور اجرایی شهرداری، زمینه را برای ناکارآمدی مدیریت شهری فراهم ساخته است.

کلیدواژه‌ها: شهر اقوام، رفتار انتخاباتی، مدیریت شهری، شورای شهر، شهرداری، شهر نورآباد.

انتشار آنلاین: ۱۳۹۸/۰۶/۳۱

پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱

بازنگری: ۱۳۹۷/۱۰/۰۳

دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۰۳

استناد: منصوریان، حسین؛ رجائی، سیدعباس؛ حاتمی، احمد؛ عاشوری، حسن (۱۳۹۸). *آسیب‌شناسی مدیریت شهری در شهر اقوام (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)*. دوفصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، ۶ (۱)، ۲۱۱-۱۹۳.

DOI: 10.22103/JUSG.2019.1986

مقدمه

با تشدید آهنگ شهرنشینی و رشد شهری از اواسط قرن بیستم، جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه از حدود ۱۸ در صد در دهه ۱۹۵۰ به بیش از ۴۰ در صد در سال ۲۰۱۵ افزایش یافت. انتظار می‌رود در سال ۲۰۳۰ بیش از ۶۰ در صد جمعیت کشورهای در حال توسعه، ساکن شهرها و مناطق شهری باشد. با وجود نقش و جایگاه بی‌بدیل شهرها در رشد و توسعه اقتصادی، افزایش بهره‌وری و تقویت مشارکت اجتماعی، اثرات منفی رشد شتابان جمعیت شهری از قبیل پراکنده‌رویی، شهری‌شدن فقر، بیکاری، مسکن نامناسب، جرم و جنایت و ناامنی، جدایی‌گزینی فضایی، ضعف زیرساخت‌ها، حکمروایی شهری نامطلوب، نابرابری‌های مکانی و جنسیتی در اغلب شهرهای کشورهای در حال توسعه به شدت ملموس است (ژانگ، ۲۰۱۶: ۲۴۱).

در سال‌های اخیر، پذیرش شهری شدن جهان و توجه به مدیریت و ادارهٔ بهینه و کارآمد شهرها به عنوان مهم‌ترین رویکرد مقابله با مسائل ناشی از شهرنشینی شتابان مورد توجه مدیران، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. ظهور و افزایش بازیگران غیردولتی از قبیل سازمان‌های مردم‌نهاد در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، منجر به گذار از رویکرد حکومت به حکمروایی شد (گوپتا و همکاران، ۲۰۱۵: ۱۵). گذار از حکومت به حکمروایی به عنوان کاهش اختیارات دولت و توانمندسازی مردم مطرح شده است (رومانشک، ۲۰۱۵: ۱). حکومت شامل سازمان‌های رسمی دولتی است که عمل حکومت‌کردن را بر مبنای قدرت انحصاری و قانونی خود در درون یک قلمرو سرزمینی اجرا می‌کنند (استوکر، ۱۹۹۸: ۱۷). در حالیکه، حکمروایی مجموع شیوه‌هایی است که افراد و سازمان‌ها، بخش عمومی و خصوصی، امور مشترک‌شان را مدیریت می‌کنند. بنابراین، حکمروایی فرایندی مداوم و پیوسته است که از طریق آن، منافع متضاد یا متنوع همساز شده و اقدامات مبتنی بر مشارکت و همکاری صورت می‌گیرد (CGG, 1995: 2). حکمروایی شهری به چگونگی تصمیم‌گیری حکومت (محلی، منطقه‌ای و ملی) و ذی‌نفعان در مورد نحوه برنامه‌ریزی، تامین مالی و مدیریت نواحی شهری اشاره دارد. این فرایند شامل یک روند مستمر مذاکره و رقابت در مورد تخصیص منابع اجتماعی، مادی و قدرت سیاسی است (اویس، ۲۰۱۶: ۵). حکمروایی شهری، کمیت و کیفیت خدمات محلی را تحت تاثیر قرار داده، توزیع هزینه‌ها و منابع را میان گروه‌های مختلف تعیین کرده، ساکنان محلی را در تصمیم‌گیری دخیل ساخته و مسولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی حکومت محلی به تقاضاهای شهروندان را تحت تاثیر قرار می‌دهد (سلاک و کوت، ۲۰۱۴: ۷). با این حال، برون‌داد حکمروایی شهری، به شدت وابسته به زمان و مکان و ویژگی‌های زمینه‌ای جامعهٔ میزبان از قبیل فرهنگ سیاسی، قابلیت نهادسازی، کیفیت فرایند شهری‌شدن و سابقهٔ شکل‌گیری نهادهای مدنی است.

کشور ایران از دهه‌های آغازین قرن معاصر، تحت تاثیر عوامل متعددی از قبیل ادغام در نظام سرمایه‌داری جهانی با نقش پیرامونی، افزایش درآمدهای نفتی و تبدیل آن به مهم‌ترین منبع تولید مازاد اقتصادی، انجام اصلاحات ارضی و فروپاشی روابط سنتی میان شهر و روستا، وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، انباشت روزافزون سرمایه‌های نفتی در مناطق شهری، شهرنشینی شتابانی را تجربه کرده است. همگام با رشد طبیعی جمعیت شهرها و مهاجرت‌های روستا-شهری، ارتقای روستا به شهر یا شکل‌گیری شهرهای نوین، عامل مهمی در افزایش جمعیت شهری ایران بوده است. این شهرهای نوین، عمدتاً در پهنه‌های روستایی و عشایری با اتکاء بر اقتصاد کشاورزی شکل گرفته‌اند و کانون اصلی جذب مهاجران روستایی از نواحی پیرامون بوده‌اند. در این شهرها، روابط انسان‌ها با توجه به مناسبات طایفه‌ای شکل می‌گیرد؛ به عبارتی، مهم‌ترین حلقه‌ای که افراد، گروه‌ها و اقوام را به هم نزدیک و مرتبط می‌سازد، علقه‌های خویشاوندی و طایفه‌ای است. بعد از مسکن‌گزینی ضمن این که همبستگی قومی-طایفه‌ای، همچنان به قوت خود باقی می‌ماند، رابطهٔ مکانی به عنوان یک عامل قوی ثانوی بر آن افزوده می‌شود. بنابراین، علقه‌های خویشاوندی، رابطهٔ مکانی و ویژگی‌های

اجتماعی، در هم می آمیزد و در نهایت، محیط های با ویژگی طایفه ای، اجتماعی و مکانی خاص را به وجود می آورد (مهدوی، ۱۳۹۲: ۷).

شکل گیری نهادهای محلی و مردمی به صورت رسمی در ایران به انقلاب مشروطه و اولین قانون مدیریت شهری در سال ۱۲۸۶ شمسی باز می گردد. در این دوره، انجمن های بلدی، به عنوان اولین جلوه های حکومت یا دولت محلی، در برخی شهرهای مهم ایران از قبیل تهران، تبریز و اصفهان شکل گرفتند. با این حال، بسیاری از این انجمن های بلدی و ادارات بلدی به خواسته از آنها، بنا به دلایل متعدد، دوام و پایداری چندانی نداشتند. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و بعد از اتمام جنگ تحمیلی، حکومت های محلی در قالب شوراهای اسلامی شهر با سبک و سیاق تازه و مبتنی بر روح جدید قانون، وارد ساختار مدیریت شهری کشور شدند.

با گذشت چهار دوره از تشکیل شوراهای اسلامی شهر، نتایج مطالعات متعدد از قبیل اشتریان و کریمی فرد (۱۳۹۵)، الهویردی زاده و همکاران (۱۳۹۴)، امانپور و همکاران (۱۳۹۴)، قرخلو و همکاران (۱۳۹۳)، اسدیان و همکاران (۱۳۹۲)، شریعت پناهی و عباسی (۱۳۹۰)، ایران دوست و امینی (۱۳۹۰) آذربایجانی و دریایی (۱۳۸۶) و زیاری (۱۳۸۴) نشان از عملکرد نه چندان مطلوب شوراهای اسلامی شهر بر اساس اهداف تعیین شده در قوانین و اسناد بالادستی دارد. ضعف مشارکت تاریخی و نبود نهادهای مدنی و احزاب سیاسی، نظام اداری متمرکز، فقدان سنت های دموکراتیک (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۷: ۱۳)، عدم واگذاری وظایف محلی به شوراهای سیاست زدگی شوراهای، تداخل وظایف و تعدد مراکز تصمیم گیری (محمدی، ۱۳۸۲: ۳۰۴)، تبدیل شدن شوراهای به نهادی صرفاً ناظر، ابهام در نوع و چگونگی ارتباط شوراهای با دستگاه های اجرایی (کریمی، ۱۳۸۷: ۱۱۲)، مشخص نبودن جایگاه و صلاحیت شوراهای در نظام حقوقی کشور (حسینی پور، ۱۳۹۰: ۱)، نظام سیاسی تک ساخت کشور (الهویردی زاده و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵)، تمرکزگرایی، رانتی بودن سیستم و مبهم بودن جایگاه قانونی شوراهای (اشتریان و کریمی فرد، ۱۳۹۵: ۹۶) به عنوان عوامل اصلی ناکارآمدی شوراهای اسلامی شهر مطرح شده اند.

با وجود تاثیرگذاری عوامل کلان و ساختاری در ناکارآمدی شوراهای اسلامی شهر، تاثیرات ناشی از رشد شتابان شهرنشینی کمتر مورد توجه محافل علمی قرار گرفته است. نسبت شهرنشینی در ایران معاصر از ۳۱٪ در سال ۱۳۳۵ به بیش از ۷۴٪ در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. در کنار مهاجرت های روستا-شهری، ارتقای روستا به شهر عامل موثری در افزایش نسبت جمعیت شهری ایران معاصر قلمداد می شود. تعداد شهرهای کشور از ۱۹۹ شهر در سال ۱۳۳۵ به حدود ۱۲۴۵ شهر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. اغلب این شهرهای نوپدید، در هسته های ایلاتی، عشایری و روستایی شکل گرفته و مقصد بخش عمده ای از مهاجرت های روستا-شهری پیرامون بوده اند. نتیجه نهایی این فرایند شکل گیری شهرهای متوسط و کوچکی در فضای سرزمینی ایران است که می توان آنها را شهر اقوام نامید. در این شهرها، هویت محله ها عموماً براساس تعصبات قومی و پایگاه های خویشاوندی و طایفه ای بنیان گذاشته شده است (نظریان، ۱۳۸۸: ۵). سبقت شهرنشینی اندک، رشد شتابان جمعیت، ضعف فرهنگ سیاسی، تسلط فرهنگ قوم گرایی و طایفه گرایی و موزائیکی بودن شهر، مهم ترین مقتضیات و ویژگی های شهر اقوام است. اقتضات حاکم بر شهر اقوام، عمدتاً خود را در تصمیم گیری های فردی و جمعی ساکنان شهر هم چون انتخابات مجلس شورای اسلامی یا انتخابات شورای شهر متبلور می سازد. از آنجایی که ساختمان اجتماعی ایلات و رده بندی های حاصل از این سیستم بر اساس خویشاوندی و نظام پدرتباری است، در این نظام اجتماعی هر یک از افراد خود را متعلق به یک ایل و طایفه می دانند که باید به رسوم، هنجارها و دیگر قراردادهای اجتماعی موجود در آن متعهد و پایبند باشند (امان الهی بهاروند، ۱۳۸۳: ۱۷۵). بنابراین، زندگی قبیلگی از درک زندگی مدنی بر پایه های دموکراسی و مشارکت فعال تمام افراد به منظور رسیدن به جامعه مدنی غافل است (شمس الدینی، ۱۳۸۹: ۱۸). شرکت در انتخابات نه با تکیه بر آگاهی افراد، بلکه به روابط خاص گرایی، عاطفی

و سنتی بودن جامعه بر می‌گردد، که افراد با توجه با ارزش‌های سنتی خویش به انتخاب نماینده دست می‌یازند و نماینده نیز در یک خاص‌گرایی ویژه منابع مادی و خدماتی را به سمت آنها سوق می‌دهد (چلبی: ۱۳۷۵: ۱۷۴). پس این عصبیت طایفه‌ای با اتکا بر هویت همبستگی جمعی افراد به منظور دستیابی به اهداف خاص است که تعیین‌کننده فرهنگ سیاسی و انگیزه انتخاب‌کنندگی مورد نظر در پاره‌ای از مناطق کشور است. تکرار این روند و عدم انتخاب بر مبنای خردگرایی و شایسته‌سالاری در درازمدت زمینه‌ساز ضعف در عملکرد مدیریت و به تبع آن توسعه‌نیافتگی بخش‌های وسیعی از جامعه می‌گردد (شمس‌الدینی، ۱۳۸۹: ۲۰). بنابراین، با توجه به توزیع ناعادلانه قدرت میان نخبگان سیاسی، به دلیل محوریت ویژگی‌ها و علایق عاطفی نسبی و تقسیم وظایف بر بنیاد طایفه‌محوری و هویت جغرافیایی افراد، مفهوم تکثرگرایی و بهره‌گیری از ظرفیت نیروهای کارشناس و متخصص در این جوامع وجود ندارد (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۵). نتیجه این فرآیند تشدید منازعات میان اعضای شوراها، عدم رعایت عدالت و قانون در توزیع خدمات شهری، دخالت در امور اجرایی شهرداری، انتخاب شهردار بر اساس ملاحظات قومی و قبیله‌ای بوده است. از آثار سوء ناشی از این فرهنگ، کانالیزه شدن روابط گروهی یا جناحی، ایجاد رانت‌خواری، سهم‌خواهی و منفعت‌طلبی فردی و گروهی می‌باشد (سردارنیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۷). بر این اساس، هدف تحقیق حاضر آسیب‌شناسی مدیریت شهری در شهر نورآباد به عنوان مصداقی از شهر اقوام از نظر جامعه محلی و کارشناسان است.

پیشینه عملی

تاثیر قومیت، هویت قومی و قوم‌گرایی در رفتار انتخاباتی و الگوهای رای‌دهی توسط محققان داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته است.

بصیری و شادی‌وند (۱۳۸۰) با بررسی رفتار انتخاباتی در مناطق عشیره‌ای (حوزه انتخابیه دهلران) به این نتیجه دست یافتند که رای دادن در این جوامع قبل از هر چیز تابعی از فرهنگ عشیره‌ای حاکم بر آنها است و به علت سیستم خاص جامعه‌پذیری حاصل از فرهنگ عشیره‌ای، تمامی رفتارهای اجتماعی و سیاسی و به تبع آن رفتارهای انتخاباتی به شدت متأثر از این سطح فرهنگ می‌باشند.

شمس‌الدینی (۱۳۸۹) با مطالعه رفتار انتخاباتی مردم حوزه انتخابیه ممسنی در دوره‌های پنجم تا هشتم مجلس شورای اسلامی به این نتیجه می‌رسد که هویت طایفه‌ای نقش پررنگی در جهت‌دهی به گزینش نماینده در تمام دوره‌های رای‌گیری داشته است. دلیل این امر، مشارکت سیاسی افراد بر مبنای پایبندی به اصول و سنن نانوشته ایلی در راستای برخورداری از منافع شخصی و عمومی است. علاوه بر این، خاص‌گرایی نماینده‌منتخب در توزیع منابع و منافع میان ساکنین طوایف مختلف شهرستان و روند انتصاب مسئولین و مدیران ارشد ممسنی به طور غیرمستقیم تأثیری به سزا در طایفه‌گرایی و تداوم این روند در ناحیه داشته است.

نیکفر و اکبری (۱۳۹۴) در بررسی رفتار انتخاباتی شهروندان شهر نورآباد، در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی به این نتیجه دست یافتند که عواملی چون ساختارهای قومی- قبیله‌ای و نخبگان اعم از سیاسی، قومی و مذهبی رابطه معناداری با مشارکت انتخاباتی دارند؛ به عبارت دیگر، پادهندگان عوامل مذکور را موثر بر جهت‌دهی آرای خود دانسته‌اند.

اکبری و فخاری (۱۳۹۶) نقش قومیت را در رفتار انتخاباتی اجتماعات چندقومیتی بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه در شهرستان بجنورد نشان می‌دهد که رابطه مثبت و معناداری میان هویت قومی و الگوی رای‌دهی وجود دارد. علاوه بر این، بررسی رابطه بین ابعاد هویت قومی با الگوی رای‌دهی نشان داد که ابعاد اجتماعی، سیاسی و قوم‌مداری، رابطه‌ای معنادار و مثبت با الگوی رای‌دهی قومی دارد.

عرب و امیرمظاهری (۱۳۹۶) با بررسی رابطه بین مولفه‌های عینی و ذهنی قومیت با مشارکت سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی در شرق استان گلستان به این نتیجه رسیدند که بین مولفه‌های عینی (سطح تحصیلات، عدم وجود تبعیض در دسترسی به مدیریت، توجه به نظرات) و مولفه‌های ذهنی (قوم‌گرایی، احترام به نخبگان، احترام به بزرگان و ریش سفیدان) با میزان توسعه مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

لاندا و همکاران (۱۹۹۵) در مطالعه‌ای در مورد الگوهای رای‌دهی قومی در تورنتو به این نتیجه رسیدند که قومیت کانیدیا به همراه فاکتورهایی از قبیل درآمد، سن و زبان مادری تأثیر معناداری بر الگوهای رای‌دهی دارد. بنابراین، نتایج مطالعات مختلف در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که در بسیاری از جوامع، قومیت و هویت قومی یکی از عوامل تأثیرگذار بر الگوی رای‌دهی است؛ با این حال، این موضوع در مقیاس شهری و در انتخابات شورای اسلامی و نحوه اثرگذاری آن بر مدیریت شهری کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

براتون و همکاران (۲۰۱۲) در تحلیل انتخابات در افریقا بر این باورند که انتخابات چیزی فراتر از یک سرشماری قومی است و انتخاب افراد تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل و انگیزه‌ها است. با این حال، آنها تصدیق می‌کنند که تمایلات قومی نقش مهمی در شکل‌دهی به انتخاب افراد دارد.

پراستیوان (۲۰۱۴) در بررسی قومیت و الگوهای رای‌دهی در جاکارتا بیان می‌کند که قومیت همچنان در انتخابات دارای نقش معناداری است؛ با این حال، ارتباط بین قومیت و الگوهای رای‌دهی بسیار پویا بوده و به شدت وابسته به بستر و زمینه سیاسی در زمان انتخابات است.

کلی (۲۰۱۶) در بررسی انتخابات ریاست جمهوری در سه کشور بولیوی، اکوادور و پرو به این نتیجه می‌رسد که قومیت نقش مهمی در انتخاب افراد داشته و الگوهای رای‌دهی بر حسب دیگر فاکتورهای جمعیت شناختی یا ترجیحات سیاسی قابل تبیین نیستند.

پیشینه نظری

در اغلب متون علمی، الگوهای رفتار انتخاباتی در قالب سه دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی، روان‌شناسی اجتماعی و اقتصاد سیاسی مورد مطالعه قرار می‌گیرند. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، رای‌دهندگان دارای گرایش‌های سیاسی ثابتی هستند که ریشه در محیط خانوادگی، زندگی شغلی و محیط فرهنگی آنها دارد (ایوبی، ۱۳۷۷: ۱۶؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۰). انتخاب هر شهروند، اگرچه تصمیمی فردی است، اما نمی‌تواند به طور کامل از وابستگی به برخی خصوصیات جمعی از قبیل پایگاه اجتماعی، خانواده، دوستان، رسانه‌ها و سایر تعاملات انسان جدا باشد (سارلامانوف و جووانسکی، ۲۰۱۴: ۱۷). در حوزه روان‌شناسی اجتماعی، تأکید زیادی بر ویژگی‌های فردی و انگیزه‌های شخصی وجود دارد. در این دیدگاه، گرایش به یک حزب خاص به صورت نسل در نسل در خانواده‌ها جریان دارد (رضوانی، ۱۳۹۶: ۱۵۱). یکی از رویکردهای مهم در روان‌شناسی اجتماعی، رویکرد شناختی است. این رویکرد، بر شناخت فرد از محیط پیرامون خود تأکید دارد. بر این اساس، در طول زمان در هر کنشگر، برداشتی ایدئولوژیک شکل می‌گیرد که به آن طرح‌واره می‌گویند. طرح‌واره‌ها، اغلب بر مبنای تجربه‌های گذشته مردم از نظام سیاسی و عناصر آن ساخته می‌شوند. این طرح‌واره‌ها، شناخت فرد و در نتیجه رفتار انتخاباتی او را شکل می‌دهند (حاجی‌پور ساردویی، ۱۳۹۶: ۷۱).

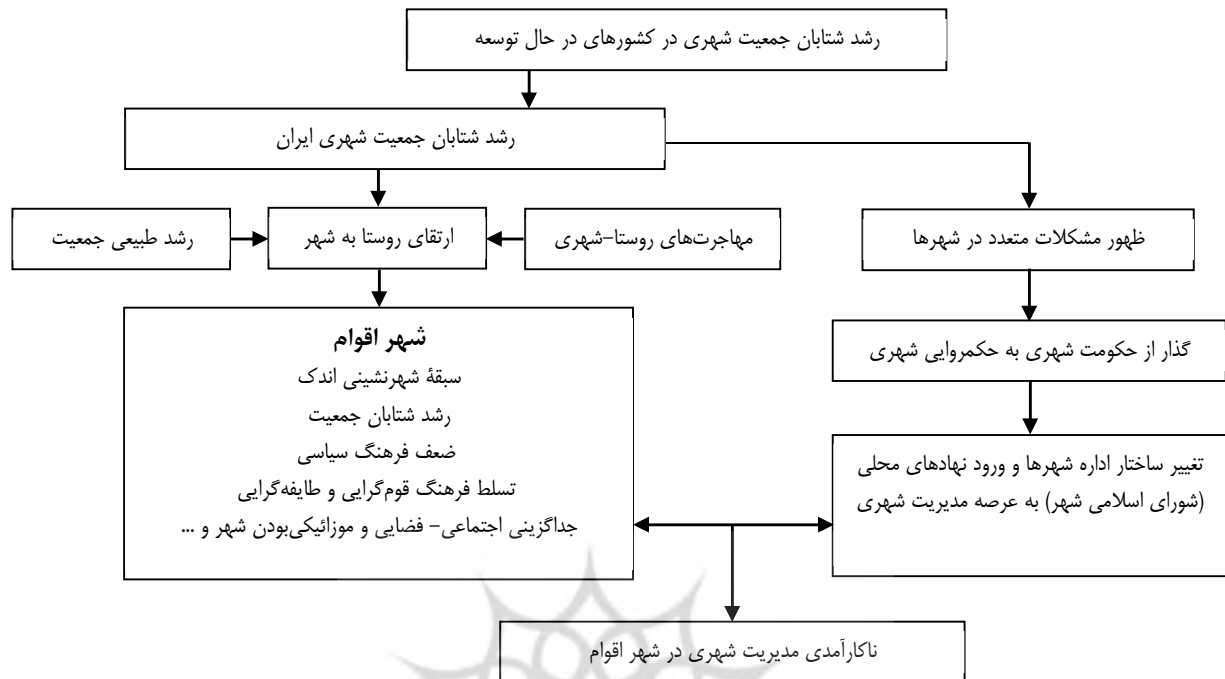
در حوزه اقتصاد سیاسی می‌توان به رویکرد انتخاب عقلانی اشاره کرد. پژوهشگران طرفدار این الگو معتقدند که رای دادن، تصمیمی فردی، مستقل از پایگاه‌های اجتماعی و احساسات و عواطف حزبی رای‌دهندگان است (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۲). بر اساس دیدگاه انتخاب عقلانی که بر منافع متمرکز دارد، مردم کسانی را انتخاب می‌کنند که بیشترین منافع را برای آنان ایجاد کنند (حاجی‌پور ساردویی، ۱۳۹۶: ۷۰).

در میان عوامل موثر بر رفتار انتخاباتی، فاکتورهای مکانی-فضایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در کنار فاکتورهایی از قبیل ویژگی‌های فردی (جنسیت، تحصیلات و ...)، پایگاه اجتماعی، رسانه‌ها و ... می‌توان عواملی از قبیل فرایند فضایی-زمانی شهرنشینی و ساختار اجتماعی-فضایی شهر را در رفتار انتخاباتی و شیوه انتخاب شهروندان دخیل دانست. براین اساس، در سال‌های اخیر، در علم جغرافیا موضوعات مختلفی هم‌چون جغرافیای رای‌دهی (تولید نقشه و نمایش و تحلیل فضایی آرا) و تاثیرات جغرافیایی بر رفتار رای‌دهی (تاثیر مکان بر ترجیحات و رفتار سیاسی) به منظور تحلیل رفتار انتخاباتی مورد توجه قرار گرفته است (فورست، ۲۰۱۷:۱).

جانستون (۲۰۰۵) این سوال را مطرح می‌کند: آیا افراد با خصوصیات مشابه، در هر کجا که زندگی کنند، به شیوه یکسانی رای می‌دهند. سوال در مورد اهمیت مکان، نقطه عزیمت جغرافیا برای تحلیل رفتار رای‌دهی است. اندیشمندان حوزه علوم سیاسی هم‌چون کینگ (۱۹۹۶) بیان می‌کنند که رفتار و ترجیحات سیاسی تنها می‌تواند توسط فاکتورهای فردی تبیین شود و واریانس فضایی تبیین نشده صرفاً ناشی از دانش ناکافی ما در مورد تک‌تک رای‌دهندگان است.

در مقابل، جغرافیدانانی هم‌چون آگنیو (۲۰۰۲)، پتی و جانستون (۲۰۰۰) در برابر این دیدگاه موضع گرفته و رویکرد زمینه‌ای^۱ و وجود اثر همسایگی^۲ را مطرح می‌کنند. رویکرد زمینه‌ای تاکید می‌کند که ترجیحات و رفتار سیاسی نمی‌تواند تنها با بررسی ویژگی‌های فردی (درآمد، شغل، سن و ...) تبیین شود؛ بلکه تا حدود زیادی وابسته به مکان است (جانستون و همکاران، ۲۰۰۲؛ سویی و هوگیل، ۲۰۰۲؛ ویالنتا پردامو، ۲۰۰۴).

به طور مثال، در مطالعه گیمپل و همکاران (۲۰۰۸) مشخص شد که حمایت از کاندیدها در پیرامون محل زندگی آنها به طور معناداری بیشتر از دیگر مناطق است. با این حال، اثرات زمینه‌ای بسیار فراتر از فاصله محض است. جانستون و پتی (۲۰۰۶) حداقل هشت مقیاس فضایی (از خانوار تا همسایگی و کشور) را مطرح می‌کنند که می‌تواند مکان یک فرد را شکل داده و بر روی رفتار رای‌دهی او تاثیرگذار باشد. شدت تاثیرگذاری عوامل مختلف در رفتار انتخاباتی افراد در هر کدام از این مقیاس‌ها متفاوت خواهد بود. به طور مثال، با حرکت از مقیاس ملی به مقیاس منطقه‌ای و شهری و درون شهری، عامل قومیت در شکل‌دهی به رفتار رای‌دهی، نقش پررنگ‌تری خواهد داشت. در میان مقیاس‌های مطرح شده، اثرات زمینه‌ای در مقیاس همسایگی بیش از سایر مقیاس‌ها بررسی شده و از آن تحت عنوان اثرات همسایگی یاد می‌شود. اثرات همسایگی می‌تواند از طریق تعاملات فرد به فرد و نهادهایی هم‌چون مدارس مشترک منجر به همگنی سیاسی بیشتر شود. نتایج مطالعه فیلدهوس و کاتس (۲۰۰۸) نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی اقلیت‌های قومی با افزایش نسبت و تعداد مطلق آنها در محله افزایش می‌یابد (فورست، ۲۰۱۷: ۷).



شکل ۱- چارچوب مفهومی تحقیق (ماخذ: نگارندگان تحقیق)

داده‌ها و روش‌شناسی

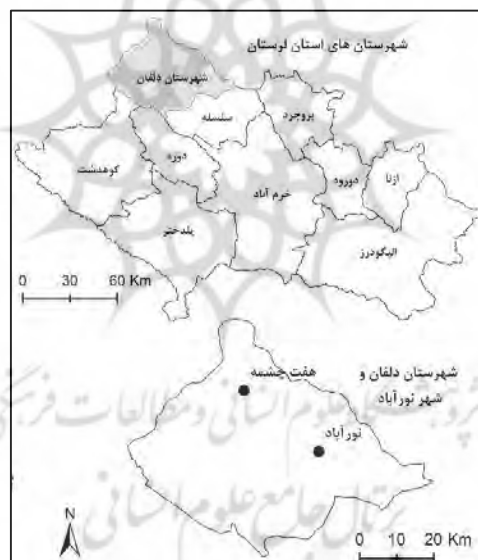
پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی می‌باشد. با توجه به اهداف پژوهش، از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی به منظور تدوین چارچوب نظری و جمع‌آوری داده‌های موردنیاز استفاده شده است. ابزار اصلی به منظور گردآوری داده‌های موردنیاز، پرسش‌نامه محقق‌ساخته است که بر مبنای ادبیات موضوع تدوین شده است. به منظور سنجش اعتبار درونی پرسش‌نامه، از روش اعتبار محتوا استفاده شد. در این روش ابتدا با نظرخواهی از استادان و کارشناسان، اصلاحاتی در پرسش‌نامه صورت گرفت و سپس پرسش‌نامه اصلاح شده در اختیار ۳۰ نفر از افراد نمونه قرار گرفت. براساس پاسخ‌های بدست آمده از ۳۰ پرسش‌نامه و انجام محاسبات آماری مناسب، پرسش‌نامه نهایی تدوین گردید. به منظور سنجش پایایی ابزار تحقیق از آلفای کرونباخ (۰/۸۷) استفاده شد.

جامعه آماری پژوهش، شامل شهروندان شهر نورآباد و دست‌اندرکاران و متخصصان مدیریت شهری شامل پرسنل شهرداری، شهرداران و مشاوران شهرداری نورآباد می‌باشد. جامعه آماری تحقیق شامل افراد ۳۰ ساله و بالاتر می‌باشد. تعداد شهروندان ۳۰ ساله و بالاتر شهر نورآباد در سال ۱۳۹۰ برابر ۲۳۵۸۵ نفر و تعداد دست‌اندرکاران و متخصصان مدیریت شهری شامل پرسنل شهرداری، شهرداران و مشاوران شهرداری حدود ۲۰۰ نفر بوده است. براساس فرمول کوکران و محدودیت‌های مالی و زمانی پژوهش، حجم نمونه آماری پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از شهروندان و ۶۰ نفر از دست‌اندرکاران و متخصصان مدیریت شهری در شهر نورآباد می‌باشد.

به منظور جمع‌آوری داده‌ها از روش تصادفی ساده برای دست‌اندرکاران و متخصصان مدیریت شهری و از روش خوشه‌ای برای شهروندان استفاده شد. در روش خوشه‌ای، شهر نورآباد براساس ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و با توجه به شناخت محققان از محدوده مورد مطالعه به ۱۰ بخش تقسیم شد. سپس از هر بخش، به صورت تصادفی ساده ۲۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید. جمع‌آوری داده‌ها توسط محققان در بازه زمانی ۱۰ فروردین تا ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ انجام

گرفت. پرسش‌نامه مورد استفاده، شامل سوالات بسته در طیف لیکرت ۵ مقیاسی می‌باشد. در پرسش‌نامه، سوالاتی در مورد ملاک‌ها و معیارهای مردم برای انتخاب اعضای شورای شهر و معیارهای انتخاب شهردار توسط اعضای شورای شهر طرح شده است. علاوه بر این، میزان رضایت شهروندان از عملکرد شوراها در چارچوب وظایف مقرر در قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراها اسلامی کشور و انتخاب شهرداران مورد ارزیابی قرار گرفته است. در انتهای پرسش‌نامه، سوالاتی در مورد میزان و نوع دخالت اعضای شورای شهر در امور اجرایی شهرداری مطرح شد. بخش پایانی سوالات، تنها از نظر دست‌اندرکاران و متخصصان مدیریت شهری مورد ارزیابی قرار گرفت. به‌منظور تحلیل داده‌های گردآوری شده، از تکنیک‌های آمار توصیفی و استنباطی شامل میانگین، انحراف استاندارد و آزمون t تک‌نمونه‌ای در نرم‌افزار IBM SPSS Statistics 22 استفاده شد.

محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر، شهر نورآباد در شهرستان دلفان، استان لرستان می‌باشد (شکل ۲). شهر نورآباد در دهه ۱۳۴۰، در منطقه‌ای عشایری و روستایی شکل گرفته است. در سال ۱۳۴۵ جمعیت شهر نورآباد ۲۲۵۳ نفر بوده است که با نرخ رشد سالانه ۶/۹۷٪ به بیش از ۶۵ هزار نفر در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است. مهم‌ترین عامل افزایش شتابان جمعیت شهر نورآباد، مهاجرت‌های روستایی از مناطق پیرامون به شهر می‌باشد که ساختاری قومی و طایفه‌ای بر بافت فیزیکی و اجتماعی شهر تحمیل کرده است.



شکل ۲- موقعیت مکانی شهر نورآباد در استان لرستان
(ماخذ: نگارندگان تحقیق با استفاده از داده‌های سازمان آمار)

یافته‌ها

ملاک‌ها و معیارهای موثر در انتخاب اعضای شورای اسلامی شهر

نتایج حاصل از ارزیابی ملاک‌های موثر در انتخاب اعضای شورای شهر نورآباد نشان می‌دهد که براساس نظرات پاسخگویان، عامل قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی با ارزش میانگین ۴/۷۴، عامل تعلقات مذهبی هم‌چون احترام به سیادت با ارزش میانگین ۴/۰۶ و عامل توان مالی نامزدها و میزان هزینه آنها برای انتخابات شورای شهر با ارزش میانگین ۳/۱۷ مهم‌ترین عوامل موثر بر شیوه انتخاب شهروندان می‌باشند. در مقابل، معیار گرایش‌های سیاسی نامزدها با ارزش میانگین ۲/۸۸، معیار تجربه و سابقه کاری با ارزش میانگین ۲/۲۰، معیار تعهد (دلسوزی، پاک‌دستی، صداقت و ...) با ارزش میانگین

۲/۱۷ و تخصص و تحصیلات با ارزش میانگین ۲/۰۷ کمترین تاثیر را در کیفیت انتخاب شهروندان دارا می‌باشند (جدول ۱).

جدول ۱- میزان تاثیر عوامل مختلف در کیفیت انتخاب اعضای شورای شهر نورآباد توسط شهروندان

عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین امتیازات	انحراف استاندارد	ارزش t	سطح معناداری
تخصص و تحصیلات	۳/۱	۸/۵	۱۵/۸	۳۶/۵	۳۴/۶	۲/۰۷	۱/۰۶	-۱۳/۹	۰/۰۰
تجربه و سابقه کاری	۲/۷	۵/۴	۲۳/۱	۴۵/۸	۲۱/۵	۲/۲۰	۰/۹۳۷	-۱۳/۵	۰/۰۰
گرایشات سیاسی	۹/۲	۲۱/۲	۲۹/۶	۲۵/۸	۱۲/۷	۲/۸۸	۱/۱۶۵	-۱/۶۱	۰/۱۰۹
قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی	۶۳/۸	۲۲/۷	۱۰/۰	۱/۵	۱/۲	۴/۴۷	۰/۸۲۸	۳۸/۶۳	۰/۰۰
تعلقات مذهبی	۴۸/۱	۲۴/۲	۱۵/۴	۸/۸	۳/۱	۴/۰۶	۱/۱۳	۱۵/۱	۰/۰۰
تعهد	۲/۷	۳/۸	۲۹/۳	۳۴/۶	۲۸/۵	۲/۱۷	۰/۹۷۹	-۱۳/۶۳	۰/۰۰
توان مالی	۱۰/۴	۲۸/۵	۳۲/۳	۲۳/۵	۴/۲	۳/۱۷	۱/۰۴	۲/۶۹	۰/۰۰

(ماخذ: نگارندگان)

ملاک‌ها و معیارهای موثر در انتخاب شهردار

بر اساس بند ۱، ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران، یکی از وظایف اصلی اعضای شورای اسلامی شهر، انتخاب شهردار برای مدت چهار سال است. بررسی نظرات شهروندان در مورد ملاک‌های انتخاب شهردار توسط اعضای شورای شهر نورآباد در دوره‌های گذشته نشان می‌دهد که عامل لابی‌گری با ارزش میانگین ۴/۱۰ و عامل قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی با ارزش میانگین ۳/۵۸، مهم‌ترین عوامل موثر بر شیوه انتخاب شهرداران توسط اعضای شورای شهر بوده‌اند. در مقابل، عامل تخصص و تحصیلات با ارزش میانگین ۳/۰۹، عامل گرایشات سیاسی با ارزش میانگین ۳، عامل تجربه و سابقه کاری با ارزش میانگین ۲/۸۵ و عامل تعهد با ارزش میانگین ۲/۵۳، کمترین تاثیر را در شیوه انتخاب شهردار داشته‌اند (جدول ۲).

با توجه به نظرات شهروندان در مورد ملاک‌های موثر در انتخاب شهردار، انتظار می‌رود که شهروندان رضایت چندانی از شیوه و کیفیت انتخاب شهردار توسط اعضای شورای شهر نداشته باشند. بررسی نظرات پاسخگویان نشان می‌دهد که ۶۸/۸ درصد افراد نمونه دارای رضایت پایینی از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد در انتخاب شهردار می‌باشند و تنها ۵/۴ درصد پاسخگویان از شیوه انتخاب شهردار توسط اعضای شورای شهر رضایت دارند (جدول ۲).

جدول ۲- میزان تاثیر عوامل مختلف در انتخاب شهردار توسط اعضای شورای شهر

عامل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین امتیازات	انحراف استاندارد	ارزش t	سطح معناداری
تخصص و تحصیلات	۴/۶	۳۳/۱	۴۰	۸/۱	۱۲/۷	۳/۰۹	۱/۰۵۷	۱/۳۶	۰/۱۷۵
تجربه و سابقه کاری	۸/۵	۱۶/۹	۳۲/۳	۳۳/۵	۷/۳	۲/۸۵	۱/۰۶۵	-۲/۱۷	۰/۰۳۱
گرایشات سیاسی	۸/۸	۲۸/۸	۲۹/۲	۱۶/۹	۱۴/۶	۳/۰	۱/۱۹۳	-۰/۰۵۲	۰/۹۶
قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی	۲۸/۱	۲۸/۱	۱۹/۲	۲۰/۴	۳/۱	۳/۵۸	۱/۱۸۹	۷/۸۶	۰/۰۰
تعهد	۶/۲	۸/۵	۳۳/۱	۳۴/۶	۱۶/۲	۲/۵۳	۱/۰۶۲	-۷/۰۶	۰/۰۰
لابی‌گری	۴۵/۸	۳۲/۳	۱۱/۵	۵/۸	۴/۲	۴/۱۰	۱/۰۸۷	۱۶/۲۸	۰/۰۰
رضایت از عملکرد شورا در انتخاب شهردار	۲/۳	۳/۱	۲۵/۴	۳۶/۹	۳۱/۹	۲/۰۶۵	۰/۹۵۲	-۱۵/۷۹	۰/۰۰

(ماخذ: نگارندگان)

رضایت از عملکرد شورای اسلامی شهر

به منظور ارزیابی میزان رضایت مردم از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد، ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران به عنوان مبنای قانونی وظایف شوراهای شهر، مورد استفاده قرار گرفت. با این حال، به دلیل کثرت وظایف مشخص شده در قانون و عدم آشنایی کامل شهروندان با تمامی وظایف شورای اسلامی شهر، تنها به برخی از وظایف ملموس تر این نهاد مردمی توجه شد.

براساس بند ۲، ماده ۷۱ قانون شوراهای، بررسی و شناخت کمبودها، نیازها و نارسائی‌های اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی، اقتصادی و رفاهی حوزه انتخابیه و تهیه طرح‌ها و پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حل‌های کاربردی در این زمینه‌ها جهت برنامه‌ریزی و ارائه آن به مقامات مسئول ذی‌ربط، یکی از وظایف اصلی شوراهای اسلامی شهر است. بررسی نظرات پاسخگویان نشان می‌دهد که بیش از ۷۳٪ افراد نمونه، عملکرد اعضای شورای شهر نورآباد را در زمینه شناسایی کمبودها، نیازها و نارسائی‌های شهر رضایت‌بخش ندانسته‌اند. علاوه بر این، حدود ۷۷٪ پاسخگویان، عملکرد اعضای شورا را در زمینه تهیه طرح‌ها، پیشنهادهای اصلاحی و راه‌حل‌های کاربردی جهت رفع کمبودها رضایت‌بخش ارزیابی نکرده‌اند. بند ۸، ماده ۷۱ قانون شوراهای، یکی دیگر از وظایف شوراهای شهر را این‌گونه مطرح می‌نماید: نظارت بر حسن اداره و حفظ سرمایه و دارایی‌های نقدی، جنسی، اموال منقول و غیرمنقول شهرداری و هم چنین نظارت بر حساب درآمد و هزینه آنها به گونه‌ای که مخل جریان عادی امور شهرداری نباشد. تحلیل نظرات شهروندان، بیانگر نارضایتی از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد در خصوص نظارت بر حسن اداره امور مالی شهرداری است؛ بطوریکه بیش از ۶۳٪ پاسخگویان از عملکرد شورای اسلامی شهر در این خصوص نارضی می‌باشند و تنها حدود ۵/۴٪ پاسخگویان رضایت خود را در این مورد اظهار کرده‌اند.

براساس بند ۱۰، ماده ۷۱ قانون شوراهای، تایید صورت جامع درآمد و هزینه شهرداری که هر شش ماه یکبار توسط شهرداری تهیه می‌شود و انتشار دادن آن برای اطلاع عموم، یکی از وظایف شورای شهر می‌باشد. بررسی نظرات شهروندان در خصوص عملکرد شورای شهر نورآباد در زمینه اجرای این وظیفه نشان می‌دهد که بیش از ۷۸٪ پاسخگویان از عملکرد شورا در این خصوص نارضی می‌باشند. میانگین امتیازات شهروندان در خصوص عملکرد شوراهای شهر نورآباد در موضوع بند ۱۰، ماده ۷۱ قانون شوراهای برابر ۱/۸۴ می‌باشد که نشان از نارضایتی بالای شهروندان دارد. طبق بند ۱۲، ماده ۷۱ قانون شوراهای، یکی از وظایف مهم شورای شهر اصلاح و تصویب بودجه سالانه شهرداری، موسسات و شرکت‌های وابسته با آن و شورای شهر متناسب با نیازهای واقعی شهر است. تحلیل نظرات پاسخگویان در مورد عملکرد شورای شهر در زمینه اصلاح و تصویب بودجه نشان می‌دهد که بیش از ۷۳٪ افراد نمونه بر این باورند که شورای شهر در خصوص بند ۱۲، ماده ۷۱ قانون شوراهای، عملکرد مطلوبی نداشته است.

براساس بند ۱۶، ماده ۷۱ قانون شوراهای، تعیین نوع و میزان عوارض شهری متناسب با سیاست‌های عمومی دولت و وضعیت اقتصادی ساکنان شهر از وظایف اصلی شورای اسلامی شهر محسوب می‌شود. در این خصوص، حدود ۱۷٪ پاسخگویان عملکرد شورای شهر را مطلوب ارزیابی کرده و در مقابل حدود ۴۷٪ پاسخگویان عملکرد شورای شهر را نامطلوب ارزیابی کرده‌اند. میانگین امتیازات پاسخگویان در این سوال برابر ۲/۴۸ بوده است، که نشان دهنده عملکرد نسبتاً نامطلوب شوراهای شهر نورآباد در تعیین نوع و میزان عوارض متناسب با سیاست‌های عمومی دولت و وضعیت اقتصادی ساکنان است.

ماده ۷۳ قانون شوراهای، نظارت بر عملکرد شهردار را از طریق تذکر، سوال و استیضاح در اختیار اعضای شورای شهر قرار داده است. بررسی نظرات پاسخگویان در مورد عملکرد شوراهای شهر نورآباد در این زمینه نشان می‌دهد که بیش از ۵۷٪ افراد نمونه از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد در مورد نظارت در ست و منطقی بر عملکرد شهردار نارضی

هستند. ماده ۷۶ قانون شوراها بیان می‌دارد که شورای شهر باید به صورت مستمر مردم را در جریان مصوبات، تصمیمات، عملکرد، بودجه و هزینه خود قرار دهد. تحلیل نظرات پاسخگویان نشان می‌دهد که بیش از ۸۲٪ افراد نمونه از عملکرد شوراهای شهر نورآباد در خصوص اطلاع‌رسانی مستمر به مردم ناراضی هستند. بیش از ۶۴٪ پاسخگویان بیان کرده‌اند که شرایط لازم برای برقراری ارتباط آسان شهروندان با اعضای شورای شهر فراهم نیست. بیش از ۵۷٪ پاسخگویان اظهار کرده‌اند که امکان لازم برای حضور مردم در جلسات علنی شورای شهر مهیا نیست (جدول ۳).

جدول ۳- میزان رضایت مردم از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد

سطح معناداری	ارزش t	انحراف استاندارد	ارزش میانگین	میزان رضایت (به درصد)					وظایف
				کم	پایین	متوسط	زیاد	بسیار زیاد	
۰/۰۰	-۱۶/۳۲	۰/۹۱۱	۲/۰۷	۲۷/۳	۴۶/۵	۱۷/۳	۶/۹	۱/۲	بررسی و شناخت کمبودها
۰/۰۰	-۲۰/۰۲	۰/۸۵۵	۱/۹۳	۳۳/۸	۴۳/۵	۱۶/۹	۴/۶	۰/۴	تهیه طرح‌ها، پیشنهادهای راه‌حل‌های کاربردی
۰/۰۰	-۱۷/۳۱	۰/۸۹۹	۲/۰۱	۳۹/۶	۴۵/۰	۱۷/۳	۶/۵	۰/۸	برنامه‌ریزی در خصوص مشارکت مردم
۰/۰۰	-۱۵/۴۷	۰/۹۶۷	۲/۰۷	۳۵/۴	۲۸/۱	۳۰/۰	۴/۲	۱/۲	نظارت بر حسن اداره امور مالی شهرداری
۰/۰۰	-۱۸/۹۷	۰/۹۸۴	۱/۸۳	۴۶/۹	۳۱/۲	۱۲/۳	۸/۱	۰/۸	انتشار صورت جامع درآمد و هزینه شهرداری
۰/۰۰	-۱۹/۷۴	۰/۸۹۲	۱/۹۰	۳۹/۶	۳۳/۸	۲۲/۳	۲/۷	۰/۸	اصلاح و تصویب بودجه شهرداری
۰/۰۰	-۸/۱۱	۱/۰۳۶	۲/۴۸	۲۲/۳	۲۵/۰	۳۵/۰	۱۶/۲	۰/۸	تعیین نوع و میزان عوارض
۰/۰۰	-۱۳/۹۷	۰/۹۳۵	۲/۱۹	۲۳/۸	۴۳/۱	۲۴/۲	۶/۲	۱/۹	نظارت بر امور بهداشت حوزه شهر
۰/۷۶۳	۰/۳۰۲	۱/۰۳۰	۳/۰۲	۱۰/۸	۱۲/۳	۴۷/۳	۲۱/۹	۶/۹	نامگذاری معابر
۰/۱۰۶	-۱/۶۲	۱/۰۳۶	۲/۸۹	۱۰/۰	۲۴/۲	۳۵/۸	۲۴/۶	۴/۶	تصویب و نظارت بر نرخ کرایه
۰/۰۰	-۲۱/۸۹	۰/۸۴۸	۱/۸۴	۳۹/۲	۴۱/۲	۱۵/۴	۳/۱	۰/۸	انتشار صورت بودجه و هزینه شورا
۰/۰۰	-۱۳/۶۵	۰/۹۳۳	۲/۲۱	۲۷/۷	۲۹/۶	۳۷/۳	۳/۸	۱/۲	نظارت بر عملکرد شهردار
۰/۰۰	-۲۱/۳۳	۰/۸۷۱	۱/۸۴	۳۸/۸	۴۳/۵	۱۲/۷	۳/۱	۱/۵	اطلاع‌رسانی مستمر به مردم
۰/۰۰	-۹/۱۳	۱/۰۱	۲/۴۲	۲۱/۹	۲۸/۵	۳۶/۲	۱۱/۲	۱/۹	امکان برقراری ارتباط آسان شهروندان با اعضای شورا
۰/۰۰	-۱۴/۶۱	۱/۰۱	۲/۰۸	۳۵/۸	۲۸/۵	۲۸/۵	۵/۰	۱/۹	فراهم‌سازی امکان حضور مردم در جلسات شورا

(ماخذ: نگارندگان)

دخالت اعضای شورای شهر در امور اجرایی شهرداری

ماده ۷۴ قانون شوراها به طور صریح بیان می‌کند که هیچ کدام از اعضای شورای شهر حق دخالت در نصب و عزل کارکنان شهرداری، صدور دستور و یا دخالت در امور اجرایی شهرداری را ندارد؛ اعضای شورای شهر و بستگان درجه یک آنها حق معامله یا انعقاد قرارداد با شهرداری را نداشته و هرگونه استفادۀ شخصی از اموال، دارایی‌ها و امکانات شورا و شهرداری توسط اعضای شورای شهر ممنوع می‌باشد. با این حال، دخالت غیرمستقیم اعضای شورای شهر در اداره امور شهرداری‌های ایران به هیچ وجه قابل کتمان نیست. بررسی نظرات پرسنل شهرداری، شهرداران و مشاوران شهرداری نورآباد در دوره‌های مختلف نشان می‌دهد که اعضای شورای شهر به اشکال مختلف در امور اجرایی شهرداری دخالت کرده و زمینه ناکارآمدی این سازمان را فراهم ساخته‌اند. بیش از ۸۴ درصد پاسخگویان بر این باورند که اعضای شورای شهر با تحمیل نیرو به بدنه شهرداری در امور اجرایی این سازمان دخالت زیادی دارند. گرفتن تخفیفات خاص برای نزدیکان خود، از نظر ۷۳ درصد پاسخگویان، شیوه دیگر دخالت شورا در امور شهرداری است. بیش از ۶۲ درصد افراد نمونه اظهار کرده‌اند که اعضای شورای شهر مانع از برخورد با برخی از عاملان ایجاد سد معبر در شهر هستند. حدود ۷۲ درصد پاسخگویان بر این باورند که اعضای شورای شهر دخالت زیادی در عزل و نصب پرسنل و کارکنان شهرداری دارند.

بیش از ۵۶ درصد پاسخگویان بیان کرده‌اند که اعضای شورای شهر حتی در تعیین اضافه کار و پاداش نیروهای شاغل در شهرداری دخالت دارند.

جدول ۴- میزان دخالت اعضای شورای شهر در امور اجرایی شهرداری

سطح معناداری	ارزش t	انحراف استاندارد	ارزش میانگین	میزان دخالت (به درصد)					نوع دخالت
				خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	
/۰۰	۲۳/۸۶	/۰۹۳۹	۴/۳۸	۶۰/۰	۳۴/۲	۱۰/۴	۳/۱	۱/۹	تحمیل نیرو از میان اقوام به بدنه شهرداری
/۰۰	۱۸/۰۲	۱/۰۱۷	۴/۱۳	۴۸/۵	۳۴/۶	۲۱/۲	۲/۷	۲/۷	گرفتن تخفیفات خاص برای اقوام از شهرداری
/۰۰	۱۵/۶۳	/۰۹۵۷	۳/۹۳	۳۵/۸	۲۶/۵	۳۳/۱	۳/۱	۱/۲	جلوگیری از برخورد با برخی از عوامل ایجاد سد معبر
/۰۰	۱۷/۴۹	۱/۰۱	۴/۰۹۶	۴۶/۲	۲۵/۸	۱۹/۶	۷/۳	۰/۸	عزل و نصب پرسنل شهرداری
/۰۰	۱۰/۷۷	/۰۹۵۲	۳/۶۴	۱۸/۸	۳۷/۳	۳۵/۰	۵/۴	۳/۱	تعیین اضافه کار و پاداش نیروهای شاغل در شهرداری
/۰۰	۱۶/۱۰	/۰۹۷۶	۳/۹۸	۳۸/۵	۲۷/۷	۲۶/۵	۶/۵	۰/۴	دخل و تصرف در انتخاب پیمانکاران
/۰۰	۹/۳۳	۱/۱۳	۳/۶۶	۳۳/۱	۱۶/۹	۳۳/۵	۱۴/۶	۱/۵	استفاده شخصی از اموال شهرداری
/۰۰	۸/۵۴	۱/۰۸	۳/۵۷	۲۳/۸	۲۹/۶	۲۶/۹	۱۸/۱	۱/۲	سفارش جهت تسهیل استفاده برخی افراد از اموال شهرداری
/۰۰	۱۲/۰۷	۱/۰۶	۳/۷۶	۳۲/۳	۲۶/۲	۳۲/۵	۳/۸	۳/۸	اعمال فشار برای تمرکز کارهای عمرانی در بخش‌های خاصی از شهر

(ماخذ: نگارندگان)

شیوه دیگری از دخالت اعضای شورای شهر در امور اجرایی شهرداری از طریق دخل و تصرف در انتخاب پیمانکاران است؛ بطوریکه، بیش از ۶۶ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که اعضای شورای شهر نورآباد تا حد زیادی در انتخاب پیمانکار جهت انجام پروژه‌های شهری دخالت می‌کنند. از نظر ۵۰ درصد پاسخگویان، اعضای شورای شهر از اموال شهرداری و شورا استفاده شخصی می‌کنند و بیش از ۵۳ درصد افراد نمونه بر این باورند که اعضای شورای شهر زمینه را برای استفاده برخی از نزدیکان از اموال شهرداری فراهم ساخته‌اند. بیش از ۵۸ درصد پاسخگویان اظهار کرده‌اند که اعضای شورای شهر با اعمال فشار بر شهرداری سبب تمرکز فعالیت‌های عمرانی در بخش‌های خاصی از شهر می‌شوند. این بخش‌های خاص عمدتاً مکان استقرار حامیان، اقوام و نزدیکان اعضای شورای شهر می‌باشند (جدول ۴).

رضایت کلی از عملکرد شورای شهر

پس از طرح سوالاتی در مورد عملکرد شوراهای اسلامی شهر در قبال وظایف مشخص شده در قانون شوراها، رضایت کلی شهروندان از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که تنها ۶/۵ درصد پاسخگویان از عملکرد شورای شهر نورآباد در چهار دوره اخیر رضایت دارند. در مقابل، حدود ۷۰ درصد پاسخگویان از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد ناراضی بوده‌اند. نتایج آزمون آماری T-Test نیز نشان می‌دهد که امتیاز میانگین رضایت از عملکرد شورا در طیفی بین ۱ تا ۵ برابر ۱/۹۹۲ می‌باشد. بنابراین، میانگین امتیازات مربوط به رضایت از عملکرد شوراها به طور معناداری پایین‌تر از میانگین فرضی (۳) قرار دارد. براین اساس، می‌توان با سطح اطمینان ۹۹٪ اظهار نمود که رضایت شهروندان از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد در چهار دوره اخیر، در سطح پایینی قرار داشته و شوراهای اسلامی شهر نورآباد نتوانسته‌اند عملکرد مطلوبی داشته باشند.

جدول ۵- رضایت کلی شهروندان از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد

معرف	خیلی راضی	راضی	ناراضی	نه راضی، نه ناراضی	ناراضی	بسیار ناراضی	ارزش میانگین	انحراف استاندارد	ارزش t	سطح معناداری
رضایت از عملکرد شورا	۱/۹	۴/۶	۲۳/۱	۳۱/۲	۳۸/۸	۱/۹۹۲	۰/۹۹۲	-۱۶/۳۴	۰/۰۰	

(مأخذ: نگارندگان)

نتایج

گذار ایران معاصر از جامعه‌ای غالباً روستایی و عشایری به جامعه‌ای غالباً شهری، نوع خاصی از شهرها را فضای سرزمینی ایران شکل داده است. این شهرها، تحت عنوان «شهر اقوام» حاصل ارتقای روستا به شهر در کانون استقرار ایلات، عشایر و روستائیان بوده و به مرور زمان تبدیل به مقصد جدیدی برای جذب مهاجران روستایی و عشایری پیرامون شده‌اند. همان‌گونه که نظریان (۱۳۸۸: ۵) بیان می‌کند، با شکل‌گیری مهاجرت‌های گسترده روستا-شهری، پیوندهای اجتماعی که در گذشته همگنی منطقه‌ای را در فضای سرزمین به وجود آورده بود، امروز جایگاه و پایگاه خود را در درون شهرها پیدا کرده و شهرها به کانون‌های هویت‌های قومی و فرهنگی تبدیل شده‌اند. در این شهرها، روح زندگی عشایری و روستایی تبلور فضایی یافته و تحت تاثیر مهاجرت‌های عشایری و روستایی به سمت شهرها، سازمان اجتماعی-فضایی خاصی شکل گرفته است. تسلط فرهنگ قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی سبب جدایی‌گزینی اجتماعی و فضایی در شهرها شده و هر محله‌ای مکان اسکان قوم و طایفه‌ای خاص است. در این‌گونه شهرها، رفتارهای مبتنی بر عقلانیت و منافع جمعی جای خود را به رفتارهای مبتنی بر احساسات و منافع فردی و طایفه‌ای می‌دهد. این مسئله، زمینه لازم را برای ناکارآمدی مدیریت شهری و توسعه این شهرها فراهم می‌سازد.

شهر نورآباد به عنوان مصداقی از شهر اقوام در دهه ۱۳۴۰ در منطقه‌ای عشایری و روستایی شکل گرفت و تحت تاثیر مهاجرت عشایر و روستائیان مناطق پیرامون، رشد شتابان جمعیتی را در چند دهه اخیر تجربه کرده است. این شهر در حال حاضر به کانون استقرار طوایف مختلف شهرستان دلفان بدل شده است. نتایج حاصل از بررسی ملاک‌های موثر در انتخاب اعضای شورای شهر نورآباد نشان داد که قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی، تعلقات مذهبی و توان مالی کاندیداها به طور معناداری دارای نقش زیادی در نحوه انتخاب شهروندان بوده و در مقابل تخصص و تحصیلات، تجربه و سابقه کاری و تعهد دارای تاثیر کمی در نحوه انتخاب شهروندان بوده است. بنابراین، تسلط هویت قومی و طایفه‌ای بر فرهنگ سیاسی ساکنان شهر سبب انتخاب اعضای شورای شهر براساس منافع فردی و طایفه‌ای شده است. یافته‌های شمس‌الدینی (۱۳۸۹) در مورد انتخابات مجلس شورای اسلامی در شهرستان نورآباد ممسنی نیز نشان‌دهنده نقش‌آفرینی هویت طایفه‌ای در جهت‌دهی به گزینش نماینده در کلیه دوره‌های رای‌گیری است.

انتخاب اعضای شورای شهر توسط مردم براساس معیارهایی از قبیل طایفه‌گرایی و تعلقات مذهبی، انتخاب شهردار را به عنوان اولین و مهم‌ترین وظیفه شورای شهر تحت تاثیر قرار می‌دهد. در واقع، اعضای شورای شهر باید در انتخاب شهردار، منافع حامیان خود را لحاظ نمایند. این نکته، فرایند انتخاب شهردار را از مسیر درست و منطقی خود خارج می‌سازد. بررسی نظرات شهروندان در مورد ملاک‌های انتخاب شهردار توسط اعضای شورای شهر نورآباد در دوره‌های گذشته نشان می‌دهد که لابی‌گری و طایفه‌گرایی دارای تاثیر معنادار بالایی در انتخاب شهردار بوده و در مقابل، تجربه و سابقه کاری،

تخصص و تحصیلات و تعهد دارای اثرات معنادار مثبتی بر شیوه انتخاب شهردار توسط اعضای شورای شهر نبوده‌اند. این مسئله سبب شده است تا بخش عمده‌ای از شهروندان رضایت چندانی از شیوه انتخاب شهردار، توسط اعضای شورای شهر نداشته باشند؛ بطوریکه، حدود ۶۹ درصد افراد نمونه اظهار کرده‌اند که دارای رضایت پایینی از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد در انتخاب شهرداران می‌باشند. یافته‌های مطالعه آذربایجانی و دریایی (۱۳۸۶) نیز نشان می‌دهد که مشکل انتخاب شهردار توسط شوراهای بدون تخصص در زمینه مدیریت و قوانین و مقررات شهری، در اغلب شهرهای ایران وجود دارد و عوامل دیگری از قبیل اختلافات داخلی مبتنی بر قومیت‌گرایی، نگرش فردگرایانه اعضای شوراها و ارجح دانستن منافع فردی بر منافع جمعی به این مشکل دامن می‌زند.

شورای برخواسته از منافع فردی و طایفه‌ای شهروندان، نه تنها در انتخاب شهردار به عنوان راس هرم مدیریت شهری ضعیف عمل می‌کند، بلکه به سبب فقدان تخصص و تجربه کافی، قادر به انجام وظایف قانونی خود در حوزه مدیریت شهری نیز نمی‌باشد. بررسی نظرات پاسخگویان در مورد رضایت از عملکرد شوراها براساس ماده ۷۱ قانون شوراها نشان داد که رضایت کلی شهروندان از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد در سطح پایینی قرار دارد؛ بطوریکه، امتیاز میانگین رضایت از عملکرد شورا در طیفی بین ۱ تا ۵ برابر ۱/۹۹۲ بوده و حدود ۷۰ درصد پاسخگویان از عملکرد شوراهای اسلامی شهر نورآباد ناراضی بوده‌اند. نتایج این بخش از مطالعه، با نتایج حاصل از پژوهش اسدیان (۱۳۸۹) در شهر کاشمر همخوانی دارد.

شهردار برخواسته از منافع فردی و طایفه‌ای شهروندان و شورای شهر، در دوران تصدی پست شهرداری باید منافع افراد و گروه‌های وابسته به آنها را تامین نماید. براین اساس با وجود منع مداخله اعضای شورای شهر در امور اجرایی شهرداری (ماده ۷۴ قانون شوراها)، زمینه برای دخالت غیرمستقیم اعضای شورای شهر در امور اجرایی شهرداری فراهم می‌شود. این دخالت‌ها از طرق مختلفی از قبیل دخالت در نصب و عزل پرسنل شهرداری، تحمیل نیرو به بدنه شهرداری، دخل و تصرف در انتخاب پیمانکاران، ممانعت از برخورد شهرداری با سد معبر، گرفتن تخفیفات خاص برای افراد وابسته، تعیین اضافه کار و پاداش پرسنل شهرداری، استفاده از اموال شورا و شهرداری و تمرکز فعالیت‌های عمرانی در بخش‌های خاصی از شهر جریان داشته و زمینه ناکارآمدی شهرداری را فراهم ساخته است.

یافته‌های شمس‌الدینی (۱۳۸۹) نیز نشان می‌دهد که خاص‌گرایی نماینده منتخب در توزیع منابع و منافع میان طوایف مختلف و روند انتصاب مسئولین و مدیران ارشد در شهرستان ممسنی به طور غیرمستقیم تأثیری به‌سزا در طایفه‌گرایی و تداوم این روند در ناحیه داشته است. نتایج تحقیق سنجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۵) نیز نشان می‌دهد که نگرش‌های محلی و طایفه‌ای یکی از عوامل کلیدی موثر در توسعه‌نیافتگی شهرستان نورآباد ممسنی بوده و به علت عبور ناقص از مراحل توسعه سیاسی، نظام فکری طایفه‌گرایی در این شهرستان تثبیت شده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش، بخش عمده‌ای از شهروندان، براساس معیارها و ملاک‌هایی دست به انتخاب اعضای شورای شهر می‌زنند که بیشتر از آنکه تامین‌کننده منافع جمعی شهر باشد، تامین‌کننده منافع فردی آنها است. بیش از ۷۳٪ افراد نمونه بر این باورند که شهروندان شهر نورآباد منافع فردی خود را بر منافع جمعی شهر ترجیح می‌دهند؛ بنابراین، شورایی که براساس منافع فردی و ملاک‌های قومی و قبیله‌ای انتخاب می‌شود، خود را مرهون و مدیون این افراد، گروه‌ها یا جریان‌ها دانسته و باید در جهت تامین منافع آنها گام بردارد. تحلیل نظرات پاسخگویان نشان می‌دهد که ۷۹/۷٪ پاسخگویان براین باورند که اعضای شورای شهر، منافع فردی خود و حامیان‌شان را بر منافع جمعی شهر ترجیح داده و عمدتاً در جهت تحقق منافع خود و وابستگان تلاش می‌کنند. این تلاش ناصواب، خود را در قالب تحمیل نیرو به بدنه شهرداری،

اختلال در نظم شهری، استفاده از اموال شهرداری و مواردی از این قبیل نشان می‌دهد. بنابراین، رابطه‌ای منطقی و مبتنی بر قانون میان ارکان مدیریت شهری شامل شهروندان، شورای شهر و شهرداری برقرار نیست؛ بطوریکه، بیش از ۷۹٪ پاسخگویان بیان کرده‌اند که ضعف در تعامل منطقی میان شورای شهر و شهرداری سبب ناکارآمدی مدیریت شهری در شهر نورآباد شده است.

یافته‌های تحقیق دال بر ناکارآمدی مدل اداره شهر در اجتماعات چندقومیتی است. براین اساس، پیشنهاد تحقیق حاضر در مقیاس کلان، اصلاح مدل اداره شهر در ایران است. در ایران معاصر، مجموعه‌ای از شهرها با ویژگی‌های متفاوت (شرایط طبیعی و اقلیمی، جمعیتی، سبقه شهرنشینی، فرهنگ سیاسی و ...) وجود دارد که همگی بر اساس یک مدل اداره می‌شوند. در واقع، نمی‌توان این جوامع شهری متنوع را با شیوه و مدل مشابهی اداره کرد و نیاز است که متناسب با ویژگی‌های در حال تغییر جوامع شهری در ایران، طیفی از مدل‌های اداره شهر، متناسب با شرایط شهرها تدوین و عملیاتی شود. در مقیاس خرد، برون‌رفت از حلقه ناکارآمدی مدیریت شهری در شهر اقوام و به طور خاص شهر نورآباد نیازمند اقداماتی از قبیل توسعه فرهنگی سیاسی ساکنان شهر، نظارت درست و کامل دستگاه‌های مربوطه از قبیل استانداری و فرمانداری بر صلاحیت شهرداران و اعضای شورای شهری، نظارت بر روابط میان شورا و شهرداری، شفاف‌سازی درآمدها و هزینه‌های شهرداری، شفاف‌سازی در مورد نحوه واگذاری پروژه‌های شهری و شفاف‌سازی هزینه‌های شورای شهر است.

References:

- اسدیان، مرتضی (۱۳۸۹). *ارزیابی عملکردهای شورای اسلامی شهر در توسعه کارکردهای شهری (نمونه موردی: شهر کاشمر)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- اسدیان، مرتضی؛ واعظ طبسی، علی؛ یاری‌قلی، وحید (۱۳۹۲). *ارزیابی و تحلیل میزان تحقق‌پذیری اهداف توسعه شهری توسط شورای شهر (مطالعه موردی: شهر زاهدان)*. پنجمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، مشهد.
- اشتریان، کیومرث؛ کریمی‌فرد، حسن (۱۳۹۵). *نقد و بررسی عملکرد شوراهای اسلامی شهر در ایران*. فصلنامه دولت‌پژوهی، شماره ۷، صص ۱۳۳-۹۵.
- اکبری، حسین؛ فخاری، روح‌الله (۱۳۹۶). *نقش قومیت در رفتار انتخاباتی اجتماعات چندقومیتی (مورد مطالعه: شهرستان بجنورد)*. مجله جامعه‌شناسی کاربردی، شماره ۶۶، صص ۹۰-۷۱.
- امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۸۳). *زوال کوچ‌نشینی در ایران: یک‌جانشینی ایلات و عشایر*. فصلنامه مطالعات ملی، سال ۵، شماره ۱، صص ۱۸۳-۱۵۵.
- امانیپور، سعید؛ حسینی شه‌پریان، نبی‌اله؛ آتش‌افروز، نسرین؛ فرهمند، قاسم (۱۳۹۴). *بررسی و تحلیل عملکرد شوراهای مدیریت شهری (نمونه موردی: شهر ایذه)*. نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، شماره ۲۲، صص ۱۱۰-۹۵.
- ایراندوست، کیومرث؛ امینی، امین (۱۳۹۰). *ارزیابی چالش‌های مدیریت شهرهای کوچک اندام از دید گروه‌های ذی‌نفع*. فصلنامه مطالعات شهری، شماره ۱، صص ۱۰۸-۹۱.

- ایمانی جاجرمی، حسین؛ (۱۳۸۷). *بررسی جامعه‌شناختی شوراهای اسلامی با رویکرد کیفی نظریه بنیانی*. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت، مجموعه مقالات شوراها، چالش‌ها و کارکردها (پژوهشنامه)، شماره ۳۰.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷). *تحلیل رفتار انتخاباتی رای‌دهندگان (بخش ۱)*. اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۳۵ و ۱۳۶، صص ۲۷-۱۶.
- آذربایجانی، کریم؛ دریایی، جواد (۱۳۸۶). *بررسی تاثیر عملکرد شوراهای شهر بر اثربخشی شهرداری‌ها (مطالعه موردی: شورای اسلامی شهر و شهرداری آباده)*. پژوهش‌نامه علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۲۵، صص ۲۸-۱۳.
- بصیری، محمدعلی؛ شادی‌وند، داریوش (۱۳۸۰). *رفتار انتخاباتی در مناطق عشیره‌ای (مطالعات موردی: حوزه انتخابیه دهلران)*. مجله راهبرد، شماره ۲۰، صص ۲۴۰-۲۳۰.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. چاپ اول، تهران: نشر نی.
- حاجی‌پور ساردویی، سیمین (۱۳۹۶). *بررسی رفتار انتخاباتی شهروندان تهرانی (مطالعه موردی: شورای شهر تهران)*. پژوهشنامه علوم سیاسی، شماره ۳، صص ۱۰۵-۶۱.
- حسینی‌پور اردکانی، سیدمجتبی (۱۳۹۰). *جایگاه و حیطه صلاحیت شوراهای اسلامی در نظام حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات حقوقی، شماره مسلسل ۱۱۰۵۵.
- حیدری، نصرت‌الله؛ طاهری، ابوالقاسم؛ ازغندی، علیرضا؛ ساعی، احمد (۱۳۹۶). *تاثیر عوامل اقتصادی بر رفتار انتخاباتی رای‌دهندگان در انتخابات مجلس شورای اسلامی (حوزه انتخابیه ایلام)*. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۳۸، صص ۲۰۸-۱۹۵.
- رضوانی، محسن (۱۳۸۶). *تحلیل رفتار انتخاباتی، موردشناسی انتخابات نهم ریاست جمهوری*. معرفت، شماره ۱۲۳، صص ۱۶۶-۱۴۹.
- زیاری، یوسفعلی (۱۳۸۶). *بررسی عملکرد شوراهای اسلامی شهر در مدیریت شهری (مطالعه موردی: شهر سمنان)*. فصلنامه علمی تخصصی مدیریت، شماره ۳، صفحات ۳۴-۲۰.
- سجاسی‌قیداری، حمدالله؛ پورطاهری، مهدی؛ صادقی، وحید؛ حسینی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۵). *تحلیل رابطه طایفه‌گرایی اجتماعات محلی با توسعه سیاسی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی)*. مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱، صص ۴۶-۱۹.
- سردارنیا، خلیل‌الله؛ شاکری، حمید (۱۳۹۳). *حکمرانی شهری در ایران، آسیب‌شناسی و پیشنهادات راهبردی*، نشریه راهبرد توسعه، سال ۲۵، شماره ۴۲، صص ۱۸۹-۱۶۵.
- شریعت‌پناهی، مجید ولی؛ رهسپار عباسی، محمدرضا (۱۳۹۰). *ارزیابی جایگاه شورای اسلامی شهر در مدیریت شهری با تاکید بر شهر پیشرو*. فصلنامه جغرافیای انسانی، شماره ۲، صص ۴۳-۳۱.

شمس‌الدینی، علی (۱۳۸۹). *انتخابات و طایفه‌گرایی با تاکید بر روند انتخابات مجالس پنجم تا هشتم شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی*. دانشنامه حقوق و سیاست، شماره ۱۴، صص ۴۰-۱۱.

عرب، عباسعلی؛ امیرمظاهری، امیر مسعود (۱۳۹۶). *بررسی رابطه بین مولفه های عینی و ذهنی قومیت با توسعه مشارکت سیاسی در شرق استان گلستان (با تاکید بر انتخابات مجلس شورای اسلامی)*. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۸۹-۱۰۹.

قرخلو، مهدی؛ شریفی، امیر؛ سرداری، ایوب (۱۳۹۳). *بررسی اثرگذاری عملکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شورای اسلامی شهرها در ایران (مطالعه موردی: شورای اسلامی شهر سردشت)*. نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره ۵۸، صص ۲۲۰-۲۰۳.

کریمی، وهاب (۱۳۸۷). *هویت شوراهای محلی؛ م‌شکل الگویابی و جایگاه قانونی*. پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، مجموعه مقالات شوراها، چالش‌ها و کارکردها (پژوهشنامه)، شماره ۳۰.

الله‌وردی‌زاده، رضا؛ ولیقلی‌زاده، علی؛ صانعی، مهدی (۱۳۹۴). *آسیب‌شناسی رابطه بین شورای شهر با نظام سیاسی در ایران (تبیین اصول تمرکززدایی اداری در دولت محلی)*. فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، شماره ۱۴، صص ۴۶-۲۵.

محمدی، اسفندیار (۱۳۸۲). *آسیب‌شناسی شوراهای اسلامی شهر و روستا*. فصلنامه راهبرد، شماره ۲۸، صص ۳۰۸-۲۸۹.

مهدوی، مسعود؛ (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران*. چاپ یازدهم، تهران: انتشارات سمت.

نظریان، اصغر (۱۳۸۸). *مهاجرت‌های قومی و تغییر ساختار اجتماعی شهرهای ایران*. آمایش محیط، شماره ۶، صص ۳۲-۱.

نیکفر، جاسب؛ اکبری، سارا (۱۳۹۴). *بررسی رفتار انتخاباتی شهروندان شهر نورآباد در نهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی*. فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۰، صص ۳۵۲-۳۲۹.

Agnew, J. A (2002). *Place and politics in modern Italy*. Chicago: University of Chicago Press.

Avis, W.R (2016). *Urban Governance (Topic Guide)*. Birmingham, UK: University of Birmingham.

Bratton, M., Bhavnani, R., Chen, T.H (2012). *Voting Intentions in Africa: Ethnic, economic or partisan?* Commonwealth & Comparative Politics, No.50, pp.27-52.

Commission on Global Governance (1995). *Our global neighborhood: the report of the Commission on Global Governance*. Oxford University Press, Oxford.

Fieldhouse, E., Cutts, D (2008). *Diversity, density and turnout: The effect of neighbourhood ethno - religious composition on voter turnout in Britain*. Political Geography, No.27, pp.530-548.

Forest, B (2017). *Electoral geography: From mapping votes to representing power*. Geography Compass, No.12, pp.1-17.

- Gimpel, J.G., Karnes, K.A., McTague, J., Pearson Merkwowitz, S (2008). *Distance - decay in the political geography of friends and neighbors voting*. Political Geography, No.27, pp.231-252.
- Gupta, J., Pfeffer, K., Ros-Tonen, M., Verrest, H (2015). *Setting the Scene: The Geographies of Urban Governance*. In Geographies of Urban Governance: Advanced Theories, Methods and Practices, The Netherlands, Springer.
- Johnson, M., Phillips Shively, W., Stein, R.M (2002). *Contextual data and the study of elections and voting behavior: Connecting individuals to environments*. Electoral Studies, No.21, pp.219-233.
- Johnston, R.J (2005). *Anglo - American electoral geography: Same roots and same goals, but different means and ends?* The Professional Geographer, No.57, pp.580-587.
- Johnston, R.J., Pattie, C.J (2006). *Putting voters in their place geography and elections in Great Britain*. London; New York: Oxford University Press.
- Kelly, S.G.W (2016). *Ethnic Voting in the Andes: How Ethnicity and Ethnic Attitudes Shape Voters' Presidential Vote Choice*. Doctoral thesis, University College London.
- King, G (1996). *Why context should not count*. Political Geography, 15, 159-164.
- Landa, G., Copeland, M., Grofman, B (1995). *Ethnic Voting Patterns: a case study of Metropolitan Toronto*. Political Geography, No.5, pp.435-449.
- Pattie, C., Johnston, R.J (2000). *People who talk together vote together” : An exploration of contextual effects in Great Britain*. Annals of the Association of American Geographers, No.90, pp.41-66.
- Prasetyawan, W (2014). *Ethnicity and Voting Patterns in the 2007 and 2012 Gubernatorial Elections in Jakarta*. Journal of Current Southeast Asian Affairs, No.1, pp.29-54.
- Romanczyk, K.M (2015). *Towards urban governance: Twenty years of neighbourhood contracts in the Brussels-Capital region*. Cities, No.44, pp.1-8.
- Sarlamanov, K., Jovanoski, A (2014). *Models of Voting*. International Refereed Social Sciences Journal Researchers World: Journal of Arts, Science and Commerce, No.7, pp.16-24.
- Slack, E., Cote, A (2014). *Comparative urban governance (Future of cities: working paper)*. London: Foresight, Government Office for Science.
- Stoker, G (1998). *Governance as theory: five propositions*. International Social Science Journal, No.155, pp.17-28.
- Sui, D. Z., Hugill, P. J. (2002). *A GIS - based spatial analysis on neighborhood effects and voter turn - out: A case study in College Station, Texas*. Political Geography, No.21, pp.159-173.
- Vilalta y Perdomo, C. J. (2004). *The local context and the spatial diffusion of multiparty competition in Urban Mexico, 1994 -2000*. Political Geography, No.23, pp.403-423.
- Zhang, X.Q (2016). *The trends, promises and challenges of urbanization in the world*. Habitat International, No.54, pp.241-252.